

تکرار و خلاصه مطالب دستوری

این بخش که حاوی تکرار و یادآوری مطالب دستوری است شامل نکات زیر است:

الف - تکرار و یادآوری نکات مربوط به اجزاء جمله:

- ۱- فعل و متمم های آن
 - ۱- مفعول با واسطه (غیرصریح)
 - ۲- مفعول با واسطه و بیواسطه
 - ۳- متمم مکانی فعل
 - ۴- متمم مقصدی فعل
- ۲- جای کلمات در جمله (ساختمان جمله)
 - ۱- ترتیب عادی کلمات در جمله
 - ۲- تأکید روی يك کلمه خاص
 - ۳- افعالی که مفعول آنها در حالت مفعولی با واسطه یا بیواسطه است

ب - انواع کلمه

- ۱- فعل
 - ۱- افعالی که حرف یا صدای آنها در صرف تغییر (یا فقط تغییر صدا) مییابد
 - ۲- افعال معین وصفی
 - ۳- صیغه ماضی نقلی افعال
- ۲- حرف تعریف و اسم
 - ۱- اسم بدون حرف تعریف (حرف تعریف محذوف)
 - ۲- حرف تعریف در حالت مفعولی با واسطه
 - ۳- حالت مفعولی با واسطه و بیواسطه اسم
 - ۴- ضمیر ملکی در حالت مفعولی با واسطه
- ۳- ضمائر
 - ۱- حرف تعریف بجای ضمیر (حرف تعریف معین و نامعین)
 - ۲- ضمیر شخصی در حالت مفعولی با واسطه
 - ۳- کلمات پرسش
 - ۴- حروف اضافه
 - ۵- ادوات

ب - تغییر شکل کلمات

- ۱- پیشوند *un-*
- ۲- پسوند *in-*
- ۳- کلمات مرکب

A Übersicht über die Satzgliederung / تکرار و یادآوری نکات مربوط به اجزاء جمله

I. Das Verb und seine Ergänzungen / فعل و مفعولهای آن

II. Ergänzungen mit Dativ / مفعولهای با واسطه

يك دسته از افعال و نیز افعال دارای کلمه همراه (فعل + حرف اضافه) هستند که مفعول جمله را در حالت مفعولی باواسطه قرار میدهند. همینطور است در بعضی عبارات اصطلاحی که مفعول آنها باواسطه است.

Bescheid geben:	Ich gebe <i>der Chefin</i> Bescheid.
gefallen:	Gefällt <i>Ihnen</i> Aachen?
helfen:	Da kann ich <i>dir</i> bestimmt helfen.
zuhören:	Hör <i>mir</i> mal zu!

Wie geht es *Ihnen*? Das tut *mir* leid/gut/weh. Ist *Ihnen* etwas passiert?

berichten von:	Das 1. Lied berichtet von den <i>Taten von ...</i>
handeln von:	Die Geschichte handelt von den <i>Räubern</i> .
leben in:	Er lebt in <i>der Stadt</i> .
liegen an:	Aachen liegt nicht <i>am Meer</i> .
Probleme haben mit:	Ich habe Probleme mit <i>meinem Computer</i> .
reden mit:	Ich rede mal mit <i>meiner Chefin</i> .
sprechen mit:	Wie spricht man mit <i>einem Kaiser</i> ?
sprechen über:	So spricht man nicht über <i>Gäste</i> .

2. Ergänzungen mit Dativ und Akkusativ **افعال دارای مفعول باواسطه و بیواسطه (DATIV) و يك مفعول بیواسطه (AKKUSATIV) دارند.**

erklären:	<u>Das</u> erkläre ich <i>euch</i> später.
erzählen:	Sie müssen <i>mir</i> auch <u>eine Geschichte</u> erzählen.
geben:	Gibst du <i>ibr</i> <u>das Buch</u> ?
schicken:	Schickst du <i>uns</i> <u>die Reportage</u> ?
versprechen:	<u>Das</u> verspreche ich <i>dir</i> .
zeigen:	Zeigst du <i>uns</i> <u>den Dom</u> ?

3. Die Situativ-Ergänzung / متمم مکانی فعل (مفعول با واسطه + wo) وقتی واقعه ای در محلی واقع میشود یا شخصی در جایی هست ذکر آن محل و جا با حرف اضافه **in** و حرف تعریف مربوطه در حالت مفعولی با واسطه صورت میگیرد. در مورد اشخاص و مؤسسات (با اشخاصی که وابسته به مؤسسه ای هستند. مثلاً "نانوا یا دندانپزشک) حرف اضافه **bei** بکار میرود و حرف تعریف اسم مربوطه هم در حالت مفعولی با واسطه است.

Wo ist Familie Schäfer?	Sie ist <i>im Theater</i> .
Wo gibt es die Dreigroschenoper?	<i>In der Oper</i> .
Wo ist Frau Berger?	Sie ist <i>beim Zahnarzt</i> .

4. Die Direktiv-Ergänzung / wohin متمم مقصدی فعل (مفعول بیواسطه یا با واسطه + wohin) وقتی کسی به جایی میرود. مقصد یا جهت حرکت او با حرف اضافه **in** بیان میشود و اسم مربوطه (مقصد) در حالت مفعولی بیواسطه است. در مورد اشخاص و مؤسسات و امکانه حرف اضافه **zu** بکار میرود و اسم مربوطه مفعول باواسطه خواهد بود.

Wohin geht Familie Schäfer?	Sie geht <i>ins Theater</i> .
Wohin will Herr Müller?	Er will <i>zum Kongresszentrum</i> .
Wohin muß Frau Berger?	Sie muß <i>zum Zahnarzt</i> .

II Die Position der einzelnen Satzglieder

جای هر يك از كلمات در جمله (ساختمان جمله)

1. Normale Satzgliedposition /

ترتیب عادی کلمات در جمله

در جملات خبری با تکیه و تأکید معمولی (بدون تکیه روی کلمه ای خاص) فاعل در ابتدای جمله قرار میگیرد. بعد از فعل و در مکان یا مقام دوم جمله فعل قرار میگیرد. در جمله های پرسشی بدون ضمیر پرسشی فعل در اول جمله قرار میگیرد. همینطور است در جمله های امری. سایر اجزاء جمله (سایر متمم ها) بعد از فعل میآیند.

فاعل		متمم ها (مفعول و غیره)	
Die Arbeit Die Arbeit Wir Ich	ist gefällt gehen kann	okay. mir. ins Theater. dir	helfen.
	فاعل	متمم ها	
Ist Kannst Fragen	die Arbeit du Sie	okay? mir die Chefin!	helfen?

2. Hervorhebungen /

تکیه (روی کلمه ای خاص)

اگر بخواهیم روی کلمه ای از جمله تأکید و تکیه کنیم آن کلمه را در ابتدای جمله قرار میدهیم. فعل جمله در هر صورت در جای دوم جمله قرار میگیرد.

Ich verstehe das nicht.

Das verstehe ich nicht.

Die Arbeit gefällt mir.

Mir gefällt die Arbeit.

Er kommt um sieben Uhr.

Um sieben Uhr kommt er.

بعضی کلمات هستند که چون در جمله ای بیایند فعل بعد از آنها میآید و فاعل هم بعد از فعل میآید (این امر در دستور زبان "جابجائی کلمات" نامیده میشود). از جمله این کلمات عبارتند از: **da, dann, vielleicht** و همچنین کلمات مربوط به تعیین وقت و زمان

Vielleicht braucht sie Hilfe.

Dann gehe ich nach Hause.

Da hängt das Schild.

Am Samstag will ich kommen.

3. Verben mit Dativ- und Akkusativ-Ergänzungen

افعال دارای مفعول با واسطه و بیواسطه

اگر در جمله ای دو مفعول وجود داشته باشد که یکی مفعول باواسطه و دیگری بیواسطه باشد در اینصورت قواعد زیر باید رعایت شود:

- اگر دو مفعول اسم (دستوری) باشند مفعول باواسطه مقدم بر مفعول بیواسطه میآید. مثال:
Bringst du Herrn Braun die Handtücher?

- اگر یکی از مفعولها اسم و دیگری ضمیر شخصی باشد مفعولی که ضمیر است مقدم بر مفعولی که اسم است میآید. مثال: Bringst du ihm die Handtücher?

- اگر هر دو مفعول ضمیر شخصی باشند. ضمیری که مفعول بیواسطه است مقدم بر ضمیر مفعول باواسطه میآید. مثال: Bringst du sie ihm?

B Die einzelnen Wortarten /

I Die Verben /

افعال

1. Verben mit Vokalwechsel / افعالی که حرف صدادار آنها تغییر صدا میگیرد

بعضی افعال هستند که در موقع صرف، صیغه دوم شخص و سوم شخص مفرد مضارع آنها حرف صدادارشان تغییر صدا میگیرد. در درسهای این دوره افعالی که از این دسته بودند حرف صدادار a داشتند که تبدیل به ä شده بود.

fahren:	ich fahre	du fährst	er fährt
halten:	ich halte	du hältst	er hält
gefallen:		du gefällst mir	das gefällt mir

2. Modalverben /

افعال معین وصفی

افعال معین وصفی اگر همراه با فعل دیگری در جمله بیایند معنی آن فعل را تغییر میدهند و بما میگویند که کیفیت یا شرایط صورت گرفتن آن فعل چگونه است. این افعال گرچه افعال کمکی نامیده میشوند. بصورت فعل مستقل هم بکار میروند. ولی اگر بصورت فعل کمکی بکار بروند طبعاً به فعل دیگری احتیاج دارند. در اینصورت فعل دیگر بصورت مصدر در انتهای جمله قرار میگیرد.

فعل معین وصفی		Verb ₂	
Sie	dürfen	hier nicht	rauchen.
	Kann	ich mal	telefonieren?
Die	mußt	du uns unbedingt	vorstellen.

معنی اصلی افعال معین وصفی که بصورت فعل کمکی و برای توصیف يك فعل دیگر در درسهای این دوره آمده اند از اینقرار است:

dürfen (1) داشتن اجازه انجام کاری / بصورت منفی = ممنوع بودن انجام کاری

Sie dürfen hier (nicht) rauchen.

(1) اجازه انجام کاری

können

Kann ich mal telefonieren?

(2) قابلیت و توانائی انجام کاری

Können Sie mir helfen?

(1) میل و آرزوی انجام کاری

mögen

Wir möchten dich besuchen.

(1) تعهد و وظیفه

müssen

Ich muß arbeiten.

(2) درخواست و طلب

Die mußt du uns unbedingt vorstellen.

(1) دعوت به انجام کاری

wollen

Wollen wir jetzt nicht gehen?

(2) قصد انجام کاری

Ich will nicht indiskret sein.

(1) انجام کاری به سفارش دیگری

sollen

Soll ich Andreas holen?

(2) خواستن انجام یا عدم انجام کاری از دیگری

Das sollst du nicht!

(3) دادن اطلاعاتی به دیگران (شنیده ام که ...)

Das soll sehr interessant sein.

(4) شك و تردید

Das sollen wir glauben?

dürfen	können	müssen	wollen	sollen
مفرد ich darf du darfst Sie dürfen er/sie darf	ich kann du kannst Sie können er/sie kann	ich muß du mußt Sie müssen er/sie muß	ich will du willst Sie wollen er/sie will	ich soll du sollst Sie sollen er/sie soll
جمع wir dürfen ihr dürft sie dürfen	wir können ihr könnt sie können	wir müssen ihr müßt sie müssen	wir wollen ihr wollt sie wollen	wir sollen ihr sollt sie sollen

3. Perfekt /

صیغه ماضی نقلی

ماضی نقلی یکی از صیغه هائی است که بوسیله آن از وقایعی صحبت میکنیم که در زمان گذشته صورت گرفته است. صیغه ماضی نقلی در زبان آلمانی بیشتر برای شرح حکایات و بخصوص وقایعی بکار میرود که خاطره آن هنوز بطور زنده در ذهن گوینده باقی است.

برای ساختن صیغه ماضی نقلی یکی از دو فعل کمکی **haben** یا **sein** و اسم مفعول فعل اصلی بکار میرود. فعلی که صرف میشود فعل کمکی است. **haben** برای ساختن صیغه ماضی نقلی بیشتر افعال بکار میرود. منجمله خود فعل **haben**.

sein بصورت فعل کمکی برای ساختن صیغه ماضی افعالی که مبین حرکت و جابجائی هستند و نیز برای ساختن صیغه ماضی نقلی خود فعل **sein** و نیز فعل **passieren** بکار میرود.

اسم مفعول (۱) دارای صورتهای زیر است:

پیشوند ge-	+	ماده فعل (۲) bör	+	پسوند -t	اسم مفعول افعال با قاعده:
----------------------	---	----------------------------	---	--------------------	---------------------------

● اسم مفعول افعال بیقاعده	● ge...en	lesen	gelesen
● اسم مفعول افعال مختوم به ieren	● ...iert	reservieren	reserviert
● اسم مفعول افعال پیشوندی منفصل (جدا شونده)	● ...ge...en	einladen	eingeladen
● اسم مفعول افعال پیشوندی پیوسته	● ...ge...t	abholen	abgeholt
	● ...t	besuchen	besucht
	● ...en	vergessen	vergessen

در افعال پیشوندی منفصل (که جزء پیوندی آنها از ماده اصلی در هنگام صرف جدا میشود) تکیه روی جزء پیوندی است. در افعال پیشوندی پیوسته تکیه روی جزء پیوندی نیست بلکه روی ماده اصلی است.

این اجزاء پیوندی که تکیه روی آنها نیست عبارتند از: **be- ent- er- ge- ver-**
مانند: **beachten, bedeuten, beginnen, behandeln, bekommen, berichten, besuchen, bestellen, bezahlen / enttäuschen / erklären, erzählen / gefallen / vergessen, verkaufen, versprechen, verstehen.**

II Artikel und Nomen /

۲- اسم و حرف تعریف

1. اسم بدون حرف تعریف (حرف تعریف محذوف) / **Nomen ohne Artikel (Nullartikel)**
در زبان آلمانی معمولاً "اسم حرف تعریف دارد (**der, die, das**) معهذاً در موارد خاص اسم بدون حرف تعریف میاید. منجمله:

(۱) در دستور زبان فارسی به اسم مفعول "صفت مفعولی" نیز میگویند.

- ۱- اسم در صیغه جمع در صورتیکه مفرد آن حرف تعریف نامعین (**ein, eine**) داشته باشد:
Ich möchte eine Banane. Ex möchte Bananen.
- ۲- وقتیکه منظور مقدار نامعینی از چیزی است:
Andreas kauft noch Butter, Brot, Wurst und Käse.
- ۳- قبل از شغل اشخاص حرف تعریف نیاید:
Sie ist Studentin. Er ist Arzt.
- ۴- همچنین قبل از ملیت افراد:
Sie ist Französin.
- ۵- و یا بعضی کلمات مشخص و قراردادی:
Er hat Hunger.

2. Artikel im Dativ /

حرف تعریف در حالت مفعولی باواسطه

شناسه (علامت) حرف تعریف در حالت مفعولی باواسطه برای اسمهای مذکر **m**. برای اسمهای مؤنث **f** و برای تمام اسمها در صیغه جمع **n** است.

der Computer	mit dem / mit einem / mit keinem / mit meinem Computer
das Messer	mit dem / mit einem / mit keinem / mit meinem Messer
die Familie	Fmit der / mit einer / mit keiner / mit meiner Familie

حالت فاعلی مفرد	مفعول باواسطه	حالت فاعلی مفرد	مفعول باواسطه	مفعول باواسطه جمع خنثی مؤنث مذکر
مذکر der/das	dem	مؤنث die	der	den
و ein	einem	eine	einer	-
خنثی kein	keinem	keine	keiner	keinen
mein	meinem	meine	meiner	meinen

3. Nomen im Dativ + Akkusativ / اسم در حالت مفعولی باواسطه و بیواسطه

بعضی اسمهای مذکر مفرد در حالت مفعولی (باواسطه و بیواسطه هر دو) حرف **n** میگیرند.

der Name: Ein Mann *mit dem Namen* Mackie Messer.
 Sie haben Aachen *den Namen* ahha gegeben.

der Herr: Die Wärme tut *Herrn* Dr. Thürmann gut.
 Andreas hat einen Brief für *Herrn* Dr. Thürmann.

n (e) اکثریت نزدیک به اتفاق همه اسمها در صیغه جمع حالت مفعولی باواسطه **n** یا **en** میگیرند.

mit den Studenten, mit den Zimmern, mit den Frauen.

4. Possessivartikel im Dativ /

ضمائر ملکی در حالت مفعولی با واسطه

صرف ضمائر ملکی یعنی شناسه ای که این ضمائر در رابطه با اشخاص مختلف میگیرند عیناً مانند صرف حرف تعریف نامعین است. (رجوع به شماره ۲ - حرف تعریف در حالت مفعولی)

مفعول با واسطه مفرد	مذکر و خنثی	مؤنث	جمع
اول شخص دوم شخص دوستانه "محرمانه"	meinem deinem Ihrem	meiner deiner Ihrer	meinen deinen Ihren
سوم شخص  	ihrem seinem	ihrer seiner	ihren seinen
مفعول با واسطه جمع			
اول شخص دوم شخص دوستانه محرمانه	unserem eurem Ihrem	unserer eurer Ihrer	unseren euren Ihren
سوم شخص	ihrem	ihrer	ihren

III Pronomen /

ضمائر

1. Artikel als Pronomen (Definit-/Indefinitpronomen)

قرار گرفتن حرف تعریف بجای ضمیر (معین و نامعین)

حرف تعریف را میتوان مانند و بجای ضمیر بکار برد. در اینصورت حرف تعریف بدون اسم مربوطه میآید (اسم مربوطه در ذهن گوینده هست ولی بزرگان نمیآید). شکل ظاهری حرف تعریف در این حالت تغییری نمیآید.

Gibt es eine Post in der Nähe? Ja, es gibt eine.

Haben Sie den Rock auch in Schwarz? Nein, den haben wir nur in Gelb.

(مورد استثنائی: حرف تعریف اسمهای خنثی در دو حالت فاعلی و مفعولی بیواسطه. ولی این حالت در دوره گذشته و دوره فعلی این درسها هنوز مطرح نشده است).

2. Personalpronomen im Dativ /

ضمیر شخصی در حالت مفعولی با واسطه

	حالت فاعلی	مفعول با واسطه	حالت فاعلی	مفعول با واسطه
	ich du/Sie er/es sie	mir dir/Ihnen ihm ihr	wir ihr/Sie sie	uns euch/Ihnen ihnen

3. Fragewörter /

کلمات پرسش

wem ضمیر پرسشی است و بجای شخصی می نشیند که مفعول با واسطه است.
Wem hilft Andreas? Andreas hilft seinem Vater.

womit ضمیر پرسشی است و با آن از چیزی (یک شیء) سؤال میشود که مفعول با واسطه است
Womit hat er Probleme? Er hat Probleme mit dem Computer.

- wo** فید مکان است که با آن سراغ محلّی را میگیریم (محلّی که در جواب میآید مفعول باواسطه است)
Wo ist Familie Schäfer? Familie Schäfer ist im Theater.
- wohin** متمّم فعل است که با آن جویای مقصد یا مسیر حرکت کسی میشویم (مقصدی که در جواب میآید ممکن است مفعول باواسطه یا مفعول بیواسطه باشد)
*Wohin gehst du? Ich gehe ins Theater. Ich gehe zum Friseur.
 Wohin fährst du? Ich fahre nach Aachen.*
- wann** صفت پرسشی است و با آن زمان و وقت انجام کاری را مورد سؤال قرار میدهیم.
Wann kommst du? Ich komme am Wochenende, um vier Uhr.
- bis wann** *Bis wann mußt du arbeiten? Bis (um) ein Uhr.*
- wieviel** صفت پرسشی است و با آن از مقدار چیزی سؤال میکنیم.
Wieviel Käse möchten Sie? 150 Gramm.
- welch-** صفت پرسشی است و با آن سؤالی مربوط به جزئی از کلّ با حرف تعریف معین میکنیم. این کلمه پرسش صرف میشود و بر حسب اینکه به چه اسمی نسبت داده شود یعنی اسمی که بعد از آن میآید در چه حالتی باشد. شناسه های مختلف میگیرد.
*die Größe: Welche Größe brauchen Sie?
 der/den Käse: Welcher Käse ist das?
 Welchen Käse möchten Sie?*

IV Präpositionen /

حروف اضافه

حروف اضافه بتهنهایی معنی مستقلّی ندارند. اما کلمه یا عبارتی را به یکی از اجزای جمله پیوند میدهند. حروف اضافه یکجا از نظر معنی با هم فرق میکنند و یکجا از نظر تأثیری که بر اسم میگذارند.

1 Bedeutung /

معنی

حروف اضافه مربوط به وقت و زمان (متمّم زمانی) عبارتند از:

bis: Bis bald!

um: Um sechs Uhr.

seit: Seit einem Jahr.

حروف اضافه مربوط به مکان (متمّم مکانی) عبارتند از:

an: Aachen liegt nicht am Meer.

bei: Sie ist beim Zahnarzt

hinter: Das Auto hinter mir...

in: Sie ist im Theater.

nach: Kommen Sie nach Berlin.

von: Er kommt von einer Reise.

zu: Wie komme ich zum Theaterplatz?

حروف اضافه مربوط به قصد یا وسیله (متمّم وسیله و آلت) عبارتند از:

für: Bestellen Sie ein Taxi für mich.

mit: Fahren Sie mit dem Bus.

2. Rektion der Präposition /

تأثیر حروف اضافه بر اسم

در دوره های درسهای رادیونی زبان آلمانی که تا بحال داشته ایم این سه دسته حروف اضافه ضمن درسهای مطرح شده اند: حروف اضافه ای که مفعول را در حالت مفعولی باواسطه قرار میدهند.

an*	aus	bei	hinter*	mit	nach	seit	von	zu
-----	-----	-----	---------	-----	------	------	-----	----

(* an/hinter: (این دو حرف اضافه گاهی هم مفعول بیواسطه میسازند)

حروف اضافه ای که اسم را در حالت مفعولی بیواسطه قرار میدهند

bis für um (bis + زمان (کلمه مربوط به وقت و زمان Bis morgen/später!)

حروف اضافه سازنده مفعول باواسطه یا بیواسطه در بخش دوم برنامه تدریس زبان

مفعول با واسطه + wo	مفعول بیواسطه + wohin	im Theater	in das Theater.
قید مکان / بدون حرکت	مقصد		

3. Kontraktionen /

تلخیص کلمات

برخی از حروف اضافه معمولاً با حرف تعریف اسم مربوطه (مفعول) ترکیب و خلاصه میشوند. منجمله این حروف اضافه با این حروف تعریف:

an + dem	an + das	bei + dem	in + dem	in + das	zu + dem	zu + der
am	ans	beim	im	ins	zum	zur

V. Partikel /

ادوات

ادوات (= جمع ادات) حروف یا کلمات کوچکی هستند که مفهوم اصلی گفته ما را تغییر نمیدهند، بلکه در حالت گفته تغییر جزئی بوجود میآورند. مثلاً منظور گوینده را تشدید میکنند.

ja Das sieht man ja sofort. Ich will ja nicht indiskret sein.
denn Wo ist denn der Bahnhof?

Denn فقط در جمله پرسشی میآید

C. Morphologie /

تغییر شکل کلمات

I. Vorsilbe un-

پیشوند un-

پیشوند un- معنی صفت را عکس میکند.

zufrieden – unzufrieden / glücklich – unglücklich.

II. Nachsilbe-in /

پسوند -in

با اضافه کردن دو حرف -in به یک اسم مذکر مخصوصاً اسم‌هائی که بیان کننده شغل و حرفه است آن اسم مؤنث میشود

der Student – die Studentin / der Freund – die Freundin.

III. Komposita /

کلمات مرکب

در زبان آلمانی میتوان انواع مختلف کلمه یا قسمتهائی از کلمات (مثلاً ماده فعل) را با هم ترکیب کرد و لغات جدید ساخت. در دوره دوم (دوره فعلی) شما کلماتی از این قبیل شنیده اید که از ترکیب دو اسم ساخته شده بودند. گاه بین دو کلمه ترکیبی یک حرف بیصدا قرار داده میشود که تلفظ کلمه مرکب آسانتر شود. حرف تعریف کلمه مرکب همیشه حرف تعریف اسم دوم است!

der Herbst + die Farbe = die Herbstfarbe
die Zeitung + das Museum = das Zeitungsmuseum
die Asche + der Becher = der Aschenbecher